

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

دانش‌مندی

سال اول، شماره دهم، تیر ۱۳۹۸



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانش سلامت

ماهنامه علمی - اطلاع‌رسانی

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰
سال اول، شماره دهم، تیر ۱۳۹۸

مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان است.
نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.
نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم
مدیر مسؤول: دکتر ابوالفضل ایرانی‌خواه
سر‌دبیر: دکتر اکرم حیدری
امور اجرایی: محمد سالم
ویراستار: مرتضی حیدری
طراحی و صفحه‌آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما، آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

✉ hrj@muq.ac.ir

☎ ۰۲۵۳۲۴۰۰۵۴۶

سخن‌آغازین

۳..... بانوی کرامت.....

سلامت‌در قرآن

۴..... شیر مادر در آیات قرآن.....
سیده زینب مدرسی مصلی

سلامت‌در احادیث

۷..... جمع‌بندی مباحث صحت، سلامت و عافیت.....
مرتضی حیدری

فقه‌سلامت

۹..... احکام معاینه.....
محمد مه‌ری لیقوان

اخلاق‌سلامت

۱۱..... امانت‌داری حتی نسبت به تبهکار!.....
محسن رضایی آدریانی

۱۲..... اولویت با کدام است: نجات جان بیمار یا اجتناب از تعقیب قضایی؟.....
سعیده سعیدی تهرانی، احمد مشکوری

فلسفه‌سلامت

۱۳..... جهان‌بینی پزشکی.....
صادق یوسفی

معرفه‌کتاب

۱۴..... حیوانات، قوانین حمایتی و حدود بهره‌وری در اسلام.....

زلال‌سلامت

۱۵..... تو رضایی و خدا روح رضامندی تو.....

۱۶..... تنها نه شیعه، اهل جهان را شیعه‌ای.....



سخن‌آیین

دهه کرامت

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم
a.mashkoori@gmail.com



السلام علیک یا

بانویی که شأن و حرمت و بیزه‌ای در بارگاه قدس ربوبی دارد: «فان لك عندالله شأننا من الشأن». بانویی که به زائرانش مژده بهشت داده شده: «من زارها فله الجنة» (۲) و امید شفاعت او، دل‌های بسیاری را متوجه بارگاهش کرده است: «یا فاطمه اشفعی لی فی الجنة». عالمه‌ای که در خردسالی، چنان پاسخگوی سؤالات شیعیان در غیاب پدر بود که پدرش فرمود: «فداها ابوها». بانویی که از سن ۱۰ سالگی و پس از شهادت پدر بزرگوارش در زندان هارون الرشید، زیر سایه برادرش امام رضا علیه السلام پرورش یافت. بانوی فضل و کرامت در علم، کمال، تقوا و قداست جایگاه ارزشمندی داشت. امام هشتم شیعیان در وصف مقام و منزلت این بانوی بزرگوار فرموده است: «هر که حضرت معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند مانند آن است که مرا زیارت کرده است» و زیارت‌نامه این بانوی بزرگوار از خود امام هشتم نقل شده است (۳). بی‌جهت نیست که فقیه بزرگی چون حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) افتخار می‌کرد که شصت سال تمام، اولین زائر هر روز حرم نورانی آن حضرت بود.

شکر گزار نعمت تابش این دو آفتاب عالم تاب بر کشورمان باشیم و از نورشان بهره ببریم.

پی‌نوشت:

- (۱) اصول کافی / ترجمه کمره‌ای، ج ۲، ص: ۱۲۳-۱۲۵
- (۲) ثواب الاعمال و عقاب الاعمال: شیخ صدوق، ص ۹۹
- (۳) بحار الانوار: علامه مجلسی، جلد ۱۰۲، ص ۲۶۶.

اول ذی القعدة (۱۳ تیر) سالروز میلاد حضرت معصومه علیها السلام و یازدهم ذی القعدة (۲۳ تیر) میلاد حضرت امام رضا علیه السلام است. به پاس کرامت و بزرگواری و حضور پربرکت آنان در ایران اسلامی، این دهه، دهه کرامت نامیده شده است. از حضرت امام رضا علیه السلام در وصف جایگاه امامت چنین نقل شده است:

امامت خلافت از طرف خدا و رسول خدا و مقام امیر المؤمنین است و میراث حسن و حسین است... امامت زمام دین و نظام مسلمین و عزت مؤمنین است... امام مانند خورشید در عالم طلوع می‌کند... امام ماه تابنده، چراغ فروزنده، نور برافروخته و ستاره رهنما در تاریکی شب‌ها و تنهایی بیابان‌ها... است، امام آب گواری است برای تشنگی... امام ابری است بارنده... چشمه‌ای است جوشنده... امام امینی است یار و پدری است مهربان و برادری است دلسوز و پناه بندگان خدا در موقع ترس و پیشآمدهای بد است. امام یگانه روزگار خود است، کسی با او برابر نیست و دانشمندی با او هم‌سطح نیست... مانند و نظیر ندارد... بزرگان در اینجا کوچکنند و حکیمان در حیرت...؛ شرح یک مقامش نتوانند و وصف یکی از فضائلش ندانند، همه به عجز معترفند... او در مقام خود اختری است که برافروزد و از دسترس دست‌یازان و وصف واصفان فراتر است (۱).

کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام نیز بانویی است والامقام که امام صادق علیه السلام بشارت آمدنش را داده بود. بزرگ بانویی که عظمت و جلال حضرت فاطمه زهرا (س) در او جلوه گر شده

شیر مادر در آیات قرآن

سیده زینب مدرسی مصلی
مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی قم
Z.modarresy@Gmail.com



نه مادر حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر... و اگر آن دو با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را -زودتر- از شیر باز گیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط این که حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. (۲)

در این آیه چندین دستور و نکته پیرامون شیر دادن نوزادان مطرح است. نخست می‌فرماید: «مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند.» «والدات» جمع «والده» به معنای مادر است بر خلاف واژه «أم» که معنی وسیع‌تری دارد که گاه به مادر یا مادر مادر و گاه به ریشه و اساس هر چیزی اطلاق می‌شود. (۳) کلمات آب و والد نیز به همین صورت می‌باشند. توضیح بیشتر این که پیامبر «أب» امت است، چنان که رسول اکرم به امیرمؤمنان فرمود: «أنا و أنت أبوا هذه الأمة» (۴) کسی که از مهمانان تفقد می‌کند «أبو الاضياف» و کسی که جنگ را تهییج می‌کند «أبو الحرب» است. عمو و جد را نیز «أب» گویند و معلم را هم مشمول عنوان «أب» می‌دانند، در حالی که هیچ کدام از این مصادیق آب را والد نمی‌گویند. واژه أم نیز مانند آب، اعم از والده است و مصادیق فراوانی دارد که بر هیچ کدام آنها «والده» اطلاق نمی‌شود. أم الكتاب، أم القرى، أم الجیش و أمه هاویة و... از این قبیل هستند. (۵)

کلمه «یُرْضِعْنَ» در این آیه به معنای انشای می‌باشد نه اخبار، بنابراین، جمله: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ» جمله‌ای خبری به داعی انشای است؛ یعنی بر مادران لازم است که فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند. گفتنی است که مفاد این جمله انشایی، حکم ارشادی است نه مولوی؛ یعنی مصلحت کودک می‌طلبد که دو سال کامل از شیر مادر بخورد، زیرا شیر مادر برای تأمین سلامت کودک بسیار مؤثر است و در مسائل روانی و اخلاقی او نیز بی‌اثر نیست، پس بر مادران واجب نیست که کودک را دو سال کامل شیر بدهند، چنان که هیچ فقیهی به آن فتوا نداده است. احتمال دارد شیر دادن مادر مستحب مولوی باشد. البته اگر قید «لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» نمی‌بود، آیه در وجوب ظهور داشت (۶).

شیرخوارگی، دوران بسیار مهمی در زندگی هر انسان است. کودکی که در دوران اولیه زندگی خود تغذیه مناسب داشته باشد، به رشد جسمانی کامل دست یافته و در آینده، فردی تندرست و شاداب خواهد بود. در این میان، شیر مادر معجزه‌ای است که اثرات مفید آن در سلامتی جسم و جان شیرخوار، دانشمندان را متحیر کرده است و هر چه بر دانش و تجربه بشر افزوده می‌شود، این اثرات مفید آشکارتر می‌شود.

ما در این نوشتار بر آن نیستیم که یافته‌های علمی درباره اثرات مفید شیر مادر را ذکر کنیم، بلکه بر آنیم که با رجوع به قرآن، این معجزه الهی و آیین زندگی، نظر قرآن در مورد شیر مادر را بدانیم. زیرا باور داریم که اجرای کامل و دقیق احکام الهی در زندگی، سلامت جسم و جان انسان را به همراه دارد.

تغذیه کودک به ویژه زمان شیرخوارگی مورد توجه شارع مقدس قرار گرفته و برای آن احکامی مقرر کرده است. در قرآن کریم آمده است: «و مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند. این حکم برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را کامل کند و خوراک و پوشاک مادران در حد متعارف بر عهده پدر کودک است. (۱)»

این مسئله در دین اسلام به قدری اهمیت دارد که خداوند متعال در قرآن کریم در کنار مسائل مهمی همچون توحید، ولایت و جهاد، آیاتی را بدان اختصاص داده است. در قرآن کریم، هفت بار سخن از شیر مادر به میان آمده است: آیه ۲۳۳ سوره بقره، آیه ۱۵ سوره احقاف، آیه ۱۴ سوره لقمان، آیه ۲۳ سوره نساء، آیه ۶ سوره طلاق، آیه ۲ سوره حج، آیات ۷ و ۱۲ سوره قصص. از این میان، سه آیه به طور مستقیم درباره شیر مادر سخن گفته‌اند:

۱) آیه ۲۳۳ سوره بقره

«و مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند. این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن) بپردازد ...

هر چند که مادر می‌تواند از شیر دادن به نوزاد خودداری کرده و کودک را از شیر دایه سیراب کند، ولی شارع مقدس اولویت و اصالت را به شیر مادر می‌دهد.

برخی از مادران به علل مختلف از جمله نیاز اقتصادی، قبل از پایان دوران شیردهی، مجدداً مشغول به کار می‌شوند و عملاً کودک دلبندشان را از شیر خود محروم می‌کنند، در حالی که طبق مفاد این آیه، مادر شیرده نباید دغدغه امرار معاش خود را داشته باشد و حتی می‌تواند بابت شیردهی مزد دریافت کند.

نکته دیگر آیه این است که می‌فرماید: «نه مادر حق دارد به کودک ضرر بزند و نه پدر» یعنی مردان حق ندارند حق نگهداری مادران از کودک را در دوران شیرخوارگی سلب کنند و مادران نیز نباید به بهانه‌های گوناگون از شیر دادن به نوزاد خودداری کنند. این بخش از آیه نشانگر اهمیت بالای رابطه طفل با شیر مادر و رابطه عاطفی با مادر می‌باشد. نکته دیگری که در این آیه شریفه بدان اشاره شده است و بیانگر اهمیت مسئله است، مدت شیر دادن به طفل است: «و مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند. این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند... و اگر آن دو با رضایت یکدیگر و مشورت بخواهند کودک را -زودتر- از شیر باز گیرند، گناهی بر آنها نیست.» امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: دوران شیرخوارگی ۲۱ ماه است و کمتر از این مدت، ستم بر کودک است. (۱۱)

۲) آیه ۱۵ سوره احقاف

آیه دیگری که در قرآن به مسأله شیر مادر می‌پردازد، آیه ۱۵ سوره احقاف می‌باشد: «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است.» در این آیه شریفه، خداوند ابتدا به سختی‌های دوران حمل، وضع و رضاع طفل اشاره می‌کند و اینکه مادران در دوران بارداری، گرفتار وهن و سستی می‌شوند، این فراز از آیه در نهایت ملاحظت و شفقت نسبت به مادران است. وقتی مادر لطف پروردگار را نسبت به خود می‌بیند که در مقابل زحماتش، چگونه خداوند عالم قدرشناسی می‌کند و به فرزندان توصیه به نیکی به پدر و مادر و شکرگزاری می‌کند و به‌خصوص،

از کلمه «حَوْلَيْن» شیر دادن تا دو سال فهمیده می‌شود؛ ولی چون در عرف گاه از روی تسامح بر کمتر از دوازده ماه نیز یک سال گفته می‌شود، چنان‌که نه ماه را یک سال درسی می‌نامند، از این رو، وصف «کاملین» آمده است؛ نظیر «تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ» (۷) که برای رفع ابهام است. در شرع، احکام فقهی بر حول کامل مترتب است تا مسامحه عرفی نشود. پس برای روشن شدن مراد و اینکه منظور از «حول» در اینجا سال کامل است، «حَوْلَيْن كَامِلَيْن» گفته شده است. (۸)

نکته‌ای که وجود دارد این است که با وجود اینکه در ادامه آیه ذکر می‌شود که مادر می‌تواند از شیر دادن به نوزاد خودداری کرده و کودک را از شیر دایه سیراب کند، ولی شارع مقدس اولویت و اصالت را به شیر مادر می‌دهد و ابتدا می‌فرماید: «مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند» و سپس می‌فرماید: «اشکالی ندارد که دایه ای برای فرزندان خود بگیرد» که این مطلب نشان‌دهنده اهمیت شیر مادر و خواص آن برای نوزاد خود می‌باشد، به‌ویژه که تغذیه جسم و جان نوزاد در این مدت با شیر و عواطف مادر پیوند ناگسستنی دارد. شهید ثانی رحمته الله علیه در شرح لمعه می‌گوید: مستحب است نوزاد را مادرش شیر دهد؛ زیرا شیر مادر با مزاج طفل سازگارتر است؛ چون طفل در رحم از خون مادر تغذیه می‌کند. (۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی همین مطلب را تأیید نموده و می‌فرماید: هیچ شیری برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست. (۱۰) مشابه این حدیث نیز از امیرالمؤمنین، حضرت علی رضی الله عنه روایت شده است که: هیچ شیری برای کودک، پربرکت‌تر از شیر مادرش نیست. (۱۱)

نکته دیگر که این آیه به آن اشاره می‌کند، این است که هزینه زندگی مادر از نظر غذا و لباس در زمان شیردهی به عهده پدر است؛ هر چند پدر و مادر از هم جدا شده باشند. این مسئله نکته ظریفی دارد؛ مادر شیرده باید چتر حمایتی داشته باشد که بتواند تمام وقت خود را با فراغ بال و خیال راحت برای شیرخوارش صرف کند و نگرانی بابت امرار معاش خود نداشته باشد. امروزه که بسیاری از مادران، در خارج از منزل شاغل هستند،



حمل و وضع و رضاع بر وی عارض می‌شود، برای مادران در نظر گرفته است. آری، شارع به قدری به تغذیه کودک و شیر مادر عنایت و توجه دارد که حتی جزئیاتی همچون مدت زمان حمل، شیر دهنده به طفل و حتی وضعیت تغذیه کودک در زمان جدایی پدر و مادر را نیز در لابه لای آیات قرآنی گنجانده است و به درستی که قرآن کریم «تیبان لکل شیء» (۱۷) می‌باشد.

پی‌نوشت:

۱. سوره بقره، آیه ۲۳۳
۲. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن کریم، مطبعة امیرالمؤمنین
۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۲۱، دار الکتب الاسلامیه / طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۵ش)، المیزان، ج ۲، ص ۳۵۹، دفتر انتشارات اسلامی
۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۴۶۰ ق)، الأمالی، ص ۵۲۳، مؤسسة الأعلمی
۵. راغب، مصطفی (۱۴۰۵ ق)، مفردات، ص ۸۵، واژه «أم» ذوی القربی
۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم/ ذیل آیه ۲۳۳ سوره بقره، مؤسسه اسراء
۷. سوره بقره، آیه ۱۹۶
۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ذیل آیه ۲۳۳ سوره بقره، مؤسسه اسراء / طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۵ش)، المیزان، ج ۲، ص ۳۶۱، دفتر انتشارات اسلامی
۹. عاملی، شهید ثانی زین الدین بن علی، (۹۶۶ ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، المحشی کلانتر، ج ۵، ص ۴۵۶، هجرت
۱۰. حویزی، عبدالعلی، (۱۱۴۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۲۸، مطبعة علمیه قم
۱۱. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۳۲۹ ق)، الکافی، ج ۶، ص ۴۴، دار الکتب الاسلامیه
۱۲. قمی، محمد بن علی بن بابویه، (۳۸۱ ق)، الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۵، مکتبه اسماعیلی
۱۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۴۶۰ ق)، الأمالی، ص ۴۱۲-۴۱۱، مؤسسة الأعلمی
۱۴. مجلسی، محمد باقر، (۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۷، ح ۵۶، دار الکتب
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۵ش)، المیزان، ج ۱۸، ص ۳۰۷، دفتر انتشارات اسلامی
۱۶. نوری، میرزا حسن، (۱۳۲۰ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۵۶، دار الطبع
۱۷. سوره نحل، آیه ۸۹

و در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «وقتی مادر وضع حمل نمود و دوران شیردهی فرزند شروع شد، به واسطه هر بار مکیدن نوزاد، خداوند نوری درخشنده را در پیش روی او در قیامت قرار می‌دهد که همه خلایق از آن به حیرت فرو می‌روند، و نیز برای او پاداش انسان روزه‌دار شب‌زنده‌دار نوشته می‌شود، و اگر در حالی که روزه‌دار است به بچه شیر دهد، ثواب کسی که تمام دهر را روزه‌دار و شب‌زنده‌دار است برای او می‌نویسند و وقتی پس از تمام شدن مدت شیر خواری، کودک را از شیر گرفت، خداوند به او خطاب می‌کند: ای زن! تمام گناهان گذشته تو را بخشیدم، پس اعمال خویش را از نو آغاز کن» (۱۴)

در این آیه، مدت حمل و شیر دادن نوزاد مجموعاً سی ماه بیان شده است در حالی که در آیات سوره بقره و لقمان بیان می‌شود که مدت شیر دادن به نوزاد، ۲ سال است. آنچه از مجموع آیات مذکور، به دست می‌آید، این است که دوران شیر دادن به فرزند، دو سال است و کم‌ترین مدت حاملگی هم شش ماه می‌باشد که در مجموع ۳۰ ماه می‌شود. (۱۵)

۳) آیه ۱۵ سوره لقمان

سومین آیه در قرآن کریم که از شیر مادر سخن می‌گوید، آیه ۱۵ سوره لقمان می‌باشد که در ضمن نصایح حضرت لقمان به فرزندش، به عنوان نصیحتی از جانب پروردگار اضافه می‌شود: «و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد و دوران شیر خواری او در دو سال پایان می‌یابد؛ (آری به او توصیه کردیم) که برای من و پدر و مادرت شکر به جا آور که بازگشت (همه) به سوی من است.» نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حال بیان جهاد و پاداش رزمندگان بودند که زنی گفت: ای رسول خدا! آیا زنان بهره‌ای از این پاداش ندارند؟ حضرت فرمودند: «چرا، زن از زمان بارداری شدن تا زمانی که بچه را از شیر می‌گیرد ثواب رزمندگان را خواهد داشت و اگر در این میان جان خویش را از دست بدهد، برای او مقامی همانند مقام شهید خواهد بود» (۱۶) و این پاداشی است که خداوند به پاس این ضعف‌ها و وهن‌هایی که بر اثر

مادر شیرده باید چتر حمایتی داشته باشد که بتواند تمام وقت خود را با فراغ بال و خیال راحت برای شیرخوارش صرف کند و نگرانی بابت امرار معاش خود نداشته باشد.

جمع‌بندی مباحث صحت، سلامت و عافیت

مرتضی حیدری

دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
mortezaheidari.mh@gmail.com

در سه شماره پیشین، به اختصار به واژگان عافیت، سلامت و صحت در متون حدیثی اشاره شد. به اجمال، گفته شد که واژه صحت، بیش از دو واژه دیگر، بر بعد جسمی سلامت اشاره دارد؛ واژه سلامت بیشتر بر ابعاد فراجسمانی توجه داشته که در تعبیری همچون سلامت قلب، سلامت صدر، سلامت نفس و سلامت دین، ظهور یافته است و واژه عافیت نیز به مفهوم دوری از بلاها، مفهومی جامع‌تر داشته و شاید از این رو، در بیان معصومین (علیهم‌السلام) بر طلب عافیت از خداوند متعال در ادعیه گوناگون، تأکید ویژه‌ای شده است. با این همه، آنچه مهم به نظر می‌رسد، این است که ائمه (علیهم‌السلام) در دعاها و مناجات‌های خود، از هیچ یک از اینها چشم‌پوشی نکرده‌اند و به عبارت دیگر، هم صحت و هم سلامت و هم عافیت، از اهم درخواست‌های پیشوایان دین از درگاه خداوند متعال بوده است که اهمیت آنها را نمایان می‌سازد.

حضرت امام سجاد (علیه‌السلام) در دعای ۲۳ صحیفه سجادیه، عافیت، صحت و سلامت را در کنار هم از خداوند متعال مسألت نموده اند: *اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ، وَعَافِنِي عَافِيَةَ كَافِيَةَ شَافِيَةَ عَالِيَةَ نَامِيَةَ، عَافِيَةَ تَوْلَدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَآمِنُنْ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي وَبَدَنِي، وَالْبَصِيرَةِ فِي قَلْبِي، وَالنَّفَازِ فِي أُمُورِي، وَالْحَشِيَّةِ لَكَ، وَالْخَوْفِ مِنْكَ، وَالْقُوَّةِ عَلَيَّ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَالْإِجْتِنَابِ لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ.* مرحوم دکتر محمد مهدی اصفهانی، لفظ نامیه (رشد و نمو کننده) را در دعای فوق، تداعی کننده مفهوم ارتقای سلامت

دانسته‌اند که مفهومی نسبتاً جدید بوده و سلامت را نه یک نقطه پایان که مفهومی رو به تزاید و رشد و ارتقای می‌داند. علاوه بر آن، به نظر می‌رسد درخواست صحت و سلامت و عافیت برای بدن و دین و دنیا و آخرت، نگاه جامع‌نگر به انسان از منظر دین را مورد تأکید قرار می‌دهد. از چنین منظری، در آموزه‌های اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، سلامت کامل انسان، در گرو دوری از آفات، بلاها و گرفتاری‌هایی است که ممکن است ابعاد مختلف وجودی وی را درگیر نماید. به بیان دیگر، اگرچه کل‌نگری در بیشتر متون و منابع، بر رویکرد چهاربعدی (زیستی، روانشناختی، اجتماعی، معنوی) و گاه با ابعاد بیشتر تأکید می‌شود، در نگاه اسلامی، انسان به عنوان موجودی یکپارچه با نیازهایی یکپارچه، از کلیتی برخوردار است که اصالت آن با روح انسانی است و روح با اتصال خود به ذات لایزال الهی، حرکتی در مسیر الهی را دنبال می‌کند و سایر ساحت‌های وجودی وی مانند جسم، در ذیل روح و در خدمت آن تعریف می‌شود و بدین ترتیب، انسانی که واقعا در مسیر الهی قرار گرفته باشد، سلامت حقیقی برای او قابل دستیابی است. از این منظر، نه تنها سلامت مطلوب فرد از نظر عینی، قابل حصول است، بلکه از آنجا که چنین فردی همه چیز را در ذیل خواسته‌های الهی می‌بیند، بیماری و نقص عضو و مشکلات احتمالی دیگر نیز مانع رضایت‌مندی و تلاش و مجاهدت او در مسیر کمال نخواهد بود و رضایت و شکر‌گزاری و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و لحظه‌ها برای او در اولویت قرار می‌گیرد. ابعاد اجتماعی سلامت نیز در پرتو

در نگاه اسلامی، انسان به عنوان موجودی یکپارچه با نیازهایی یکپارچه، از کلیتی برخوردار است که اصالت آن با روح انسانی است و روح با اتصال خود به ذات لایزال الهی، حرکتی در مسیر الهی را دنبال می‌کند و سایر ساحت‌های وجودی وی مانند جسم، عواطف و ... در ذیل آن تعریف می‌شود.

آموزه‌هایی چون تولی و تبری و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و حج و هر آنچه بر رعایت حقوق دیگران و ایفای تکالیف در قبال آنان اشاره دارد، اعتلا می‌یابد که جهت‌گیری آن نیز به سمت خداوند خواهد بود. بدین گونه است که تعبیر قلب سلیم در ادبیات قرآنی، بر سلامت کامل انسان اشاره دارد که تمام تعلقات انسانی در ذیل تعلق او به خداوند متعال، معنی و مفهوم می‌یابد و هر آنچه از اعتقادات، اخلاق، معنویت، مناسک، عملکرد، سبک زندگی و مانند آن که در دایره دین تعریف می‌شود و از همین رو، دوری از گناهان بر طبق احادیث که ذکر برخی از آنها در شماره های پیشین گذشت، بیماری تلقی شده‌اند و توبه در صورت آلوده شدن به گناه، شفابخش وجود انسان می‌باشد. از ادعیه زیبای سیدالساجدین علیه السلام، دعای زیر است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنْ الْحَسَدِ حَتَّى لَا أَحْسَدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ وَحَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعْمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا أَوْ عَاقِبَةٍ أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةٍ أَوْ رَخَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ: خدایا بر محمد و آلش رحمت فرست، و دلم را از حسد پاک ساز تا بر احدی از آفریدگانت به علت چیزی از فضل و احسانت حسد نبرم، و تا آن که نعمتی از نعمت‌هایت را، در دین یا دنیا، یا عاقبت یا تقوی یا سعه رزق یا آسایش، بر احدی از خلق تو نبینم مگر آنکه بهتر از آن را به لطف تو و از جانب تو ای خدای یگانه بی‌شریک آرزو کنم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ أَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَ جَلِّلْنِي عَافِيَتَكَ وَ حَصِّنِي بِعَافِيَتِكَ وَ أَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ وَ اغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ وَ تَصَدَّقْ

عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ وَ هَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَ اِفْرِسْنِي عَافِيَتَكَ وَ أَصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ: خدایا بر محمد و آلش رحمت فرست، و خلعت عافیت را بر من ببوشان، و مرا به عافیت فراگیر، و به عافیت محفوظ دار، و به عافیت بی‌نیاز کن، و عافیت را بر من صدقه کن، و عافیت را به من ببخش، و عافیت را برابم بگستران، و عافیت را بر من شایسته ساز و میان من و عافیت در دنیا و آخرت جدایی ميفکن. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَاقِبَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَاقِبَةً تُولَدُ فِي بَدَنِي الْعَاقِبَةَ، عَاقِبَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. وَ امْتِنْ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَةِ فِي دِينِي وَ بَدَنِي، وَ الْبَصِيرَةَ فِي قَلْبِي، وَ التَّفَادَى فِي أُمُورِي، وَ الْخَشْيَةَ لَكَ، وَ الْخَوْفَ مِنْكَ، وَ الْقُوَّةَ عَلَيَّ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَ الْاجْتِنَابَ لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ: خدایا بر محمد و آلش رحمت فرست و مرا عافیتی بی‌نیاز کننده و شفا دهنده ببخش که از دسترس بیماری‌ها و علت‌ها بالاتر و در کشاکش عمر رو به فزونی باشد، عافیتی که در بدنم تولید عافیت کند: عافیت در دنیا و آخرت و الهام فرمای بر من به تندرستی، امنیت، و سلامت دین و بدن، و بصیرت قلبی، و پیشرفت در کار، و بیم و هراس از تو، و قدرت بر انجام طاعتی که مرا به آن فرمان داده‌ای، و اجتناب از معصیتی که مرا از آن نهی فرموده‌ای.

پی‌نوشت:

صحیفه سجاده

دکتر سید محسن فروتن، سلامت معنوی اسلامی از دیدگاه مرحوم استاد دکتر محمد مهدی اصفهانی. فصلنامه ارتقای سلامت

احکام معاینه

محمد مهری لیتوان

دانشکده سلامت و دین - دانشگاه علوم پزشکی قم
mmehrilighvan@gmsil.com

هم جنس و دسترسی به او، رجوع به پزشک غیر هم جنس (در جایی که موجب لمس یا نگاه حرام می گردد) جایز نیست (۳).

۲- لمس بدن بیمار به وسیله پزشک یا کادر پزشکی از جنس مخالف

آیت الله خامنه ای رحمته الله علیه:

در صورتی که درمان منوط به برهنه کردن بدن زن در برابر پزشک مرد و لمس و نگاه کردن به آن باشد و معالجه با مراجعه به پزشک زن امکان نداشته باشد، اشکال ندارد (۱).

آیت الله سیستانی رحمته الله علیه:

اگر ضرورت باشد اشکال ندارد. جایز نیست زن به اندام مرد نامحرم دست بزند اعم از مسلمان و غیر مسلمان مگر آنکه ضرورتی پیش آید که برطرف کننده حرمت باشد. بدون پوشش مانند دستکش جایز نیست مگر این که نشود کار را انجام داد و بیمار مضطر به معالجه متوقف بر لمس باشد (۲).

آیت الله مکارم شیرازی رحمته الله علیه:

همچنین اگر طیب و پرستار مرد ناچار باشد دست به بدن زن بزند، یا طیب و پرستار زن دست به بدن مرد بزند، باید دستکش یا مانند آن در دست داشته باشد؛ ولی در صورت ضرورت و ناچاری اشکالی ندارد. در فرض مسأله برای مقاصد پزشکی مانعی ندارد. البته مشروط بر این که مفاسدی بر آن مترتب نشود (۳).

۳- نگاه کردن پزشک یا کادر پزشکی به عورت بیمار از جنس موافق

آیت الله خامنه ای رحمته الله علیه:

جایز نیست مگر در موارد ضرورت. نگاه کردن غیر از شوهر حتی پزشک و بلکه پزشک زن به عورت زن حرام است، مگر هنگام اضطرار و برای درمان بیماری (۱).

در اسلام به دلیل شأن والای انسان، تأکید زیادی بر حفظ حریم انسان شده است. هر چند اصل غالب در فقه شیعه، حرمت نگاه به بدن زن نامحرم است، در مواردی نیز، حکم به جواز معاینه بیماران از جنس مخالف در شرایط اضطرار داده شده است. لذا یکی از موضوعات مهم فقهی در حوزه سلامت، شرایط و احکام معاینه بانوان به وسیله پزشک مرد و معاینه و درمان بیماران مرد توسط پزشک خانم است که مورد ابتلای جامعه مسلمانان است. از طرف دیگر، باورهایی در جامعه وجود دارد که در قالب عبارات و اصطلاحاتی همچون «پزشک محرم است» با آنها مواجه می شویم. در این شماره، بر این موضوع تمرکز و توجه می کنیم که آیا واقعاً پزشک محرم است و معاینه بیمار و مشاهده و لمس وی، چه حد و مرزی دارد؟ و آیا موازین دین مقدس اسلام چنین چیزی را تأیید می نماید؟ در این نوشتار شقوق مختلف معاینه پزشک یا کادر پزشکی به شرح زیر مطرح شده و نظرات برخی فقهای شیعه معاصر بیان می گردد.

۱- نگاه کردن پزشک یا کادر پزشکی به بدن بیمار از جنس مخالف

آیت الله خامنه ای رحمته الله علیه:

در صورتی که درمان منوط به برهنه کردن بدن زن در برابر پزشک مرد و لمس و نگاه کردن به آن باشد و معالجه با مراجعه به پزشک زن امکان نداشته باشد، اشکال ندارد (۱).

آیت الله سیستانی رحمته الله علیه:

اگر ضرورت باشد اشکال ندارد (۲)

آیت الله مکارم شیرازی رحمته الله علیه:

مادامی که بیمار میمیز نباشد، لمس و نظر جایز است. و هنگامی که به حد تمییز رسیدند، نگاه کردن قبل از بلوغ، اگر مفسده خاصی نداشته باشد، اشکالی ندارد. در صورت وجود پزشک

آیت الله سیستانی رحمته الله علیه

در صورت ضرورت و اضطرار وعدم امکان استفاده از وسایلی نظیر آینه و مانیتور و اینکه درمان بیمار متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد (۴).

آیت الله مکارم شیرازی رحمته الله علیه

جایز نیست مگر در موارد ضرورت (۳).

۴- نگاه کردن پزشک یا کادر پزشکی به عورت بیمار از

جنس مخالف

آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه

جایز نیست مگر در موارد ضرورت. در صورتی که نگاه کردن با آینه ممکن باشد و نگاه کردن مستقیم و لمس ضرورتی نداشته باشد، جایز نیست (۱).

آیت الله سیستانی رحمته الله علیه

به هر تقدیر باید به اندازه ضرورت و ناچاری اکتفا شود و اگر معالجه بدون نگاه مستقیم میسر باشد مانند نگاه در صفحه مانیتور و یا در آینه، احتیاط ترک نشود (۲).

آیت الله مکارم شیرازی رحمته الله علیه

در صورت ضرورت و اضطرار و عدم امکان استفاده از وسایلی نظیر آینه و مانیتور و اینکه درمان بیمار متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد (۴).

۵- دست زدن پزشک یا کادر پزشکی به عورت بیمار از

جنس موافق

آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه

جایز نیست مگر در موارد ضرورت (۱).

آیت الله سیستانی رحمته الله علیه

در صورت ضرورت و اضطرار وعدم امکان استفاده از وسایلی نظیر آینه و مانیتور و اینکه درمان بیمار متوقف بر آن باشد، اشکال اشکال ندارد (۲).

آیت الله مکارم شیرازی رحمته الله علیه

هر گاه پرستار یا طبیب ناچار باشد دست به عورت بیمار بزند باید دستکش یا مانند آن بپوشد (۳).

منابع:

۱- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <http://farsi.khamenei.ir>

۲- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله العظمی سیستانی www.sistani.org

۳- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله العظمی مکارم شیرازی: www.makarem.ir

۴- استفتاء از دفتر معظم له در شهر قم مقدس، ۱۳۹۸/۰۳/۲۲

امانتداری، حتی نسبت به تبهکار؟!!

محسن رضایی آدریانی

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،

دانشگاه علوم پزشکی قم

mrezaie@muq.ac.ir



قال الصادق (عليه السلام):

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ
الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ!

همان گونه که مستحضر هستید، قرار بر این بود که در هر شماره نشریه، یک آیه کریمه یا یک حدیث شریف مرتبط با موضوع و مبحث کلاس اخلاق پزشکی و اخلاق حرفه‌ای دانشجویان رشته‌های علوم سلامت، بیان شود. در شماره پیش به آیه کریمه ۵۸ از سوره مبارکه نساء با موضوع امانت‌داری و در ارتباط با مبحث رازداری اشاره گردید. در ادامه بحث شماره پیشین، این حدیث شریف که اهمیت امانت‌داری را بیان می‌فرماید، تقدیم می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر به راستگویی و برگرداندن امانت به نیکوکار و تبهکار (۱). همان گونه که پیش از این هم بیان شد، امانت‌داری از جمله مواردی است که در آموزه‌های اسلام نزدیک به مطلق است. بدین معنی که استثنای این قاعده، بسیار اندک و نزدیک به صفر است. بیان صریح و روشن این حدیث شریف این است که شرایط، وضعیت و شخصیت امانت‌گذار تأثیری بر وظیفه شرعی و اخلاقی امانت‌داری نخواهد داشت.

از امام چهارم علیه السلام نقل شده که فرمودند: اگر شمر آن شمشیری را به من امانت بدهد که با آن سر پدرم را از بدن جدا کرد، بعد بیاید آن شمشیر را از من مطالبه کند، به او می‌دهم. (۲) اگر این سخن از این امام معصوم علیه السلام صادر شده باشد (که ظاهراً چنین است)، این سخن گهربار، اهمیت صدچندان امانت و امانت‌داری را نشان می‌دهد. حتی در مورد خبیث‌ترین افراد، یعنی قاتل سیدالشهداء علیه السلام نیز باید امانت‌دار بود. بلی، ما مسلمین حتی در امانت چنین فردی هم نباید خیانت کنیم.

آنچه از آموزه‌های اسلام درک نموده‌ایم این است که کارکنان سلامت باید تک‌تک گیرندگان خدمات سلامت را به عنوان بنده‌ای از بندگان خداوند متعال ببینند که بنا بر مشیت الهی، برطرف نمودن نیاز آن بنده خدا به دست این ارائه‌کننده خدمت سلامت نهاده شده است. این کار باید بالاترین کیفیت انجام شود. وقتی ما کارکنان سلامت به این نکته توجه کنیم که نه تنها جسم بیمار به امانت در اختیار ماست که جان و مال و راز و آبروی گیرنده خدمت سلامت هم، امانت‌های ارزشمندی است که در اختیارمان نهاده شده است، از این رو به حکم عقل و نقل، باید امانت‌دار باشیم و تمام تلاش خود را در جهت سلامت او و حفظ این امانات، به

خدمت سلامت هم، امانت‌های ارزشمندی است که در اختیارمان نهاده شده است، از این رو به حکم عقل و نقل، باید امانت‌دار باشیم و تمام تلاش خود را در جهت سلامت او و حفظ این امانات، به کار بیندیم. دقت در این نکته خالی از لطف نیست که وقتی باید در مورد افراد تبهکار، امانت‌دار باشیم؛ به نظر می‌رسد امانت‌داری در مورد بیماران، بیش از پیش به اطلاق، میل پیدا می‌کند.

به ادعای بنده، رویکرد دینی بسیار جامع و کامل تر از رویکرد عقلی تنها (یا همان رویکرد سکولار خودمان!) است اما از منظر این رویکرد اخیر هم که به موضوع نگاه کنیم، به امانت‌دار بودن در حوزه سلامت خواهیم رسید. البته توجه به این نکته مهم است که در کتاب بیشامپ و چیلدرس، تعبیری معادل امانت‌داری ندیده‌ام اما توجه به هر یک از چهار اصل، ما را به این قاعده می‌رساند.

در جایی که «احترام به اختیار» یک اصل پذیرفته شده باشد، گیرنده خدمت سلامت، ما را امانت‌دار فرض می‌کند که جسم و جان خود را در اختیار ما می‌نهد. چون که ما را افرادی امین می‌انگارد، با اختیار خود و با طیب خاطر وارد بیمارستان، بخش، آزمایشگاه، اتاق عمل جراحی و ... می‌شود.

فرد امانت‌دار و امین، «ضررت‌رسان» و «سودرسان» است. کارکنان امین سلامت به گونه‌ای عمل می‌کنند که با کم‌ترین آسیب ذاتی اقدامات، بیشترین نفع و فایده به گیرنده خدمت سلامت برسد، بیمار نشود و بیمار به سمت بهبود پیش رود.

از اصل «عدالت» در رویکرد بیشامپ و چیلدرس، قاعده تخصیص منابع استخراج شده است. بر اساس این اصول و قواعد، منابع نظام سلامت (سرمایه‌ای، مالی، امکانات، ...) باید به درستی تخصیص یابد تا بیشترین تأثیر مثبت را در تأمین، حفظ و ارتقای سلامت به دنبال داشته باشد. با این توصیفی که بیان شد، امانت‌داری حکم می‌کند که از منابع در دسترس، استفاده بهینه شود. باید بهره‌وری، هرچه بیشتر باشد تا از اتلاف منابع پیشگیری شود و منابع سلامت هزینه شده، به بالاترین حد ممکن اثربخشی منجر شوند.

پی‌نوشت:

۱. کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۱ - مجموعه ورام ج ۲، ص ۱۸۸
۲. <https://snn.ir/fa/news/198069>

شرایط، وضعیت و شخصیت
امانت‌گذار تأثیری بر امانت
نخواهد داشت.

اولویت با کدام است: نجات جان بیمار یا اجتناب از تعقیب قضایی؟

سعیده سعیدی تهرانی

گروه اخلاق پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه

علوم پزشکی قم

a.mashkoori@gmail.com



که پزشک معالج، اقدام درمانی خاصی را برای حفظ حیات بیمار ضروری می‌داند، اما بیمار به درمان رضایت نمی‌دهد. در چنین مواردی، وظیفه پزشک چیست؟ آیا برای حفظ حیات بیمار، اقدام درمانی را بدون «رضایت» بیمار انجام دهد و نگرانی از شکایت احتمالی بیمار و مشکلات بعدی آن را پذیرا باشد یا جهت پیشگیری از تعقیب قضایی احتمالی، اقدامی نکند و نظاره گر مرگ بیمار باشد؟ وظیفه پزشک حفظ حیات بیمار است ولی با بیمار عاقل و بالغ و هوشیاری که از پذیرش درمان ضروری برای حفظ حیات خود امتناع می‌کند، چه باید کرد؟

در مورد فوق، پزشک اول به وظیفه اخلاقی «سودرسانی» و وظیفه حرفه‌ای «نوع دوستی» عمل کرده است و علی‌رغم احتمال شکایت بیمار، بیمار را جراحی کرده و جانش را نجات داده است اما پزشک دوم به دلیل احتمال شکایت بیمار، «خودآیینی» بیمار و مصون نگه داشتن خود از تعقیب قضایی را در اولویت قرار داده و به وظیفه اخلاقی «سودرسانی» و وظیفه حرفه‌ای «نوع دوستی» کمتر توجه کرده است.

نکته قابل توجه این است که در صورت شکایت بیمار اول (بیمار نجات یافته) از پزشک معالج، پزشک معالج می‌تواند به نص بند (ج) ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ که بیان می‌دارد «در موارد فوری، اخذ رضایت ضروری نیست» و همچنین قانون «دفاع مشروع» استناد کند، اما بازماندگان بیمار دوم (فوت شده) می‌توانند با استناد به (عدم ضرورت اخذ رضایت در موارد فوری) و ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی علیه پزشک معالج، اقامه دعوی کنند؛ گرچه در نهایت امر، تعیین سر نوشت پرونده با دستگاه قضا خواهد بود.

منابع:

- قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲
- آیین‌نامه تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی

در دو بیمارستان مختلف، دو خانم باردار، به دلیل جفت سرراهی، جراحی سزارین می‌شوند و هر دو خانم، فرزندان سالمی به دنیا می‌آورند، اما هر دو بیمار، به دلیل خونریزی شدید رحم، نیاز به جراحی برداشت رحم (هیسترکتومی) پیدا می‌کنند. این جراحی برای حفظ حیات این بیماران ضروری است. به‌طور طبیعی پزشکان معالج هر دو بیمار، برای اخذ «رضایت» عمل جراحی برداشت رحم از بیمار، اقدام می‌کنند، اما متأسفانه در هر دو مورد، با مخالفت بیماران و همسرانشان مواجه می‌شوند. پزشک معالج بیمار اول، علی‌رغم مخالفت بیمار و همسرش، بیمار را به اتاق عمل منتقل کرده و هیسترکتومی می‌کند، ولی پزشک معالج بیمار دوم به دلیل امتناع بیمار و همسرش، او را جراحی نمی‌کند و بیمار به دلیل خونریزی رحم، فوت می‌کند.

تحلیل مورد:

پزشکان با عنایت به وظیفه حرفه‌ای و حس انسان‌دوستی خود، همواره برای نجات جان انسان‌ها و کسب سلامتی از دست رفته آنان کوشیده‌اند. در گذشته، پزشکان بر مبنای رابطه پدرانه (Paternalistic) با بیماران، به آنچه صلاح بیمار تشخیص می‌دادند، عمل می‌کردند و بیماران نیز به میزان زیادی از نظر پزشکان پیروی می‌کردند. اما با توسعه جوامع و پیچیده‌تر شدن روابط و تبیین بیشتر و دقیق‌تر حقوق و وظایف افراد، رابطه پزشک-بیمار نیز دگرگون شده است. امروزه، خودآیینی (Autonomy) بیماران به رسمیت شناخته شده است و پزشکان و بسیاری از بیماران می‌دانند که «رضایت آگاهانه» بیمار، لازمه اقدام درمانی پزشک است. با این حال، به نظر می‌رسد خودآیینی بیمار و مواد قانونی و آیین‌نامه‌های انتظامی متعدد مربوط به رضایت بیمار، در مواردی، اصل اخلاقی «سودرسانی» پزشکان به بیماران را با چالش‌هایی مواجه کرده است. نمونه آن را می‌توان در مواردی مشاهده کرد

جهان بینی پزشکی

صادق یوسفی

مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی قم

syoosefee@muq.ac.ir

yoosefee@gmail.com

معرفت شناسی، عینی گرا و از نظر اخلاقی، دچار ازهم گسستگی عاطفی است. به طور خلاصه، برای ارائه دهنده خدمات سلامت قائل به این مدل، بیمار، یک شیء مادی قابل تجزیه به مجموعه‌ای از اجزای فیزیکی است. از سوی دیگر در مدل انسان گرایانه، موضع متافیزیکی مشتمل بر دوگانه گرایی (Dualism) و یا به طور کامل تر کل گرایی (Holism) بوده و پیش فرض متافیزیکی آن، نوخاسته گرایی (Emergentism) است. نوخاسته گرایی، باوری در ارتباط با خودآگاهی و ماهیت ذهن است که می‌تواند با دیدگاه تقلیل گرایی در تضاد باشد. چراکه بر این اساس، هر فرد، یک ذات غیر مادی نوخاسته با کلیتی یکپارچه و تقسیم‌ناپذیر و تجربه گر انواع مختلفی از حالات و رویدادهاست. الزامات هستی شناسانه مدل انسان گرایانه نیز، Organicism است که بر اساس آن، کوچکترین بخش به خودی خود، رفتار سیستم‌های سازمان یافته‌ای را که خود بخشی از آن است، توضیح می‌دهد و به عبارت دیگر، تقلیل گرایی را رد می‌کند. به علاوه این مدل، از منظر معرفت شناسی، ذهنی گرا بوده و از نظر اخلاقی، بر مراقبت همدلانه تمرکز دارد. در شماره آتی تلاش می‌شود، به این مواضع متافیزیکی (وحدت‌انگاری، دوگانه گرایی و کل گرایی) پرداخته شود. لازم به توضیح است که گاهی ممکن است چنین ادعا شود که تفاوتی بین جهان بینی و پارادایم نیست. همان‌طور که در شماره‌های پیشین اشاره شد، معمولاً پارادایم یک قالب مشخصی دارد، در حالی که جهان بینی به برداشت و چگونگی تفسیر یک پارادایم توسط یک فرد وابسته است. توجه این نگاشته، عدم اجماع در خصوص مفهوم این دو کلیدواژه فلسفی است.

منابع:

Marcum, J. A. (2008). Humanizing modern medicine: an introductory philosophy of medicine (Vol. 99). Netherlands: Springer.

جهان بینی در مفهوم کلی آن، متشکل از باورهایی است که امکان درک جهان و عمل در چارچوب آن را فراهم می‌کند. کانت از این اصطلاح برای درک حسی جهان استفاده می‌نمود؛ با این وجود، این مفهوم معنای گسترده‌تری یافته و فیلسوفان علم تعاریفی را برای آن پیشنهاد کرده‌اند. عده‌ای آن را نظامی از باورهای درهم تنیده می‌دانند، آن گونه که در جهان بینی نیوتنی، جهان به عنوان یک ماشین غول پیکر در نظر گرفته شده و یا در جهان بینی داروین، به ماهیت تکاملی دنیای بیولوژیک اشاره شده است. عده‌ای جهان بینی را نشان دهنده «مجموعه‌ای از نگرش‌ها در مورد طیف گسترده‌ای از مسائل اساسی» در نظر می‌گیرند. منظور از «نگرش»، موضع فرد نسبت به جهان، به ویژه از لحاظ ذهنی و مفروضات مرتبط با طبیعت هستی شناسی جهان است. بدین ترتیب، آنچه برای یک جهان بینی علمی اهمیت دارد، مجموعه‌ای از نگرش‌ها شامل مفروضات و یا پیش فرض‌های مختلفی است که برای تدوین نظریه‌های علمی، قوانین و فرضیه‌ها به کار می‌آید.

از منظر کاربست این مفاهیم در حوزه سلامت، پزشکی مدرن را باید به طور قطع، برخاسته از دیدگاه‌های فرهنگ غرب دانست. مواضع متافیزیکی همراه با پیش فرض‌های آن و الزامات هستی شناسانه که اساس آنها مدل‌های زیست پزشکی و انسان گرایانه است، پیش از بررسی سایر مسائل این مدل‌ها، مورد بحث قرار می‌گیرند.

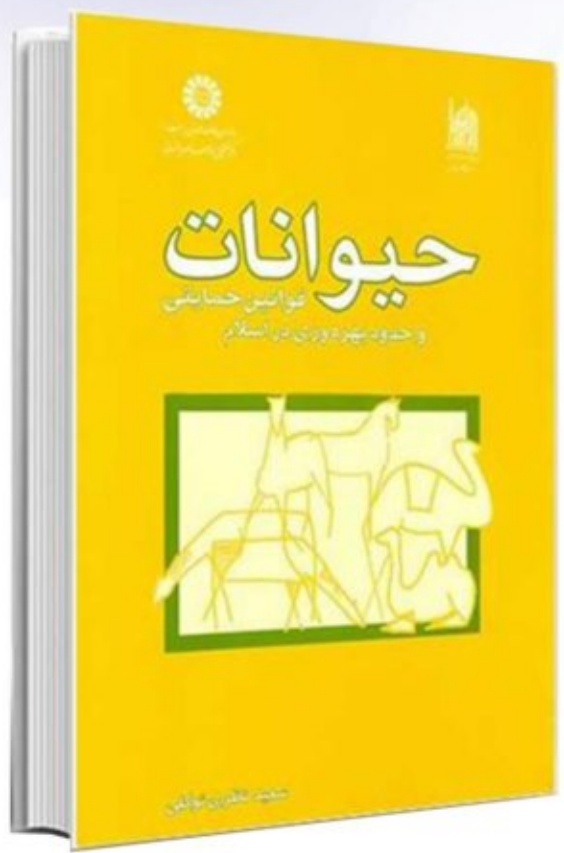
امروزه نقش آفرینان همه عرصه‌های مرتبط با سلامت اعم از آموزش، پژوهش و نیز ارائه خدمات با دورویکرد غالب مواجهند: مدل زیست پزشکی و مدل انسان گرایانه. در مدل زیست پزشکی، موضع متافیزیکی مشتمل بر وحدت‌انگاری (Monism) مکانیکی بوده و پیش فرض متافیزیکی آن، تقلیل گرایی و الزامات هستی شناسانه این مدل فیزیکیالیسم است. هم چنین این مدل، از منظر

کتاب فوق تألیف دکتر سعید نظری توکلی است که در سال ۱۳۸۸ و توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) در ۱۸۵ صفحه منتشر شده است. نویسنده در بیان ضرورت پرداختن به قوانین حمایتی و حدود بهره‌وری از حیوانات از منظر اسلام، چنین می‌گوید:

با ورود نگرش‌های حقوقی- اخلاقی به حوزه مطالعات و تحقیقات پزشکی و پیدایش دانش میان رشته‌ای اخلاق زیستی (Bioethics)، این اندیشه میان پزشکان و حقوق دانان شکل گرفت که هر چند جایگاه ممتاز انسان در میان سایر موجودات به او اجازه می‌دهد از حیوانات به سود پیشبرد تحقیقات پزشکی بهره‌برداری کند، اما از آن‌جا که حیوانات نیز به عنوان بخشی از هستی، دارای حق زیستن هستند، نمی‌توان بدون هیچ محدودیتی از آنها به سود خود بهره جست. چنین نگرشی به حوزه حیوانات باعث شد محققان اخلاق زیستی، ضمن تنظیم مقررات و قوانین لازم برای نگهداری و کار با حیوانات در محیط‌های آزمایشگاهی، بایستگی‌ها و اصول اخلاقی استفاده از آنها را نیز یادآور شوند.

بنابراین وی در این کتاب، کوشیده است مسئله بهره‌گیری از حیوانات را در سه حوزه کلامی، حقوقی و اخلاقی از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار دهد. وی اظهار امیدواری کرده است نتایج به دست آمده از مجموع این سه حوزه، بتواند دیدگاه اسلام و عالمان مسلمان پیرامون حیوانات، حقوق آنها و بایستگی‌های رفتاری انسان با آنها را اندکی روشن سازد. زندگی اخروی حیوانات، زشتی و زیبایی آزار حیوانات، شاخصه‌های بهره‌وری از حیوانات، وظایف انسان در بهره‌وری از حیوانات، ملاحظات جسمانی و ملاحظات روانی، عناوین فصول این کتاب را تشکیل می‌دهند.

معرفی کتاب
حیوانات، قوانین حمایتی و حدود بهره‌وری در اسلام



تو رضایی و خدا روح رضامندی تو

دیده گر از کرمت بار نبندد چه کند
دل اگر دیده ز اغیار نبندد چه کند
زائر این حرز به دیوار نبندد چه کند
مِهْرَت آینه به رخسار نبندد چه کند
چشم بر چشم گرفتار نبندد چه کند
دل دخیل قدم یار نبندد چه کند
راه با چشم خریدار نبندد چه کند

دل اگر دیده به دلدار نبندد چه کند
تا دل سوخته را مثل تو دلداری هست
دارد آن خاک وجوبت که ندارد کعبه
دل ز عالم به خدا حُجْب نگاهت ببرد
دلبری چون تو که دلهاست گرفتار غمش
کیست شایسته مدح قد سرو تو رضا
سائلت وقت عبور تو ز بازار نظر

تو رضایی و خدا روح رضامندی تو
می سزد سجده به اسماء خداوندی تو

وی سر خان ولای تو همه مهمانت
همه کون و مکان ریزه خور دستانت
دیده چون باز کنی روز شود حیرانت
دودمان تو نظر دوخته بر چشمانت
مادرت محو ز بر داشتن قرآنت
مَلْک از هر سخت بُرد دُر غلظانت
پاسبانان مَقْرَب همگی دربان

ای همه عالم امکان شده سرگردانت
همه افلاک به زیر قدمت ریگ رهند
پلک مستانه چو بر هم بنهی شب گردد
سایه بر سر فکن ای دوده زهرا و علی
پاره جان پدر کوثر ثانی رسول
چون به توحید گشودی لب شیرینت را
اینجا کارگزار ره نورانی تو

تو رضایی و خدا روح رضامندی تو
می سزد سجده به اسماء خداوندی تو

هر چه گفتیم سخن باز نگفتیم از تو
ای غَمْت جاذبه پرداز، نگفتیم از تو
ای مسیحای بشرساز نگفتیم از تو
ای همه عمر تو اعجاز نگفتیم از تو
کیست طاغوت برانداز نگفتیم از تو
گر چه سلطان سرافراز نگفتیم از تو

گرچه گشتیم سخن ساز، نگفتیم از تو
آری از هر دری آوای غزل سر دادیم
از دم عیسی مریم همه دم، دم زداییم
سخن از کشف و کرامات بزرگان گفتیم
گر تویی ضامن آهو و شفا بخش مریض
تو ولی عهد همه آل رسول الهی

تو رضایی و خدا روح رضامندی تو
می سزد سجده به اسماء خداوندی تو

ذره خورشید شود نزد تو آسان آقا
می شناسند تو را چهره شناسان آقا
تا خدا هست دلت نیست هراسان آقا
ای دعاگوی همه نیک سپاسان آقا
که تو دوری کنی از سُست حواسان آقا
می نشینی به بر کهنه لباسان آقا
کربلای دل ما هست خراسان آقا

ای همه مُلک جهان بر تو خراسان آقا
آشنایان اگر ای یار تو را نشناسند
گر همه عالم و آدم ز رهِت برگردند
قدر لطف تو اگر خلق ندانند بد است
حیف اگر رنگ مناجات نگیریم از تو
میزبان داری اشراف ز اخلاق تو نیست
هر گه از کرب و بلا دور بمانی یعنی

تو رضایی و خدا روح رضامندی تو
می سزد سجده به اسماء خداوندی تو



زلزال سلامت

تنها نه شیعه، اهل جهان را شفیعه‌ای

با یک سلام صبح من آغاز می‌شود
وقتی که لحظه لحظه پرواز می‌شود
از مرقدت دری به جنان باز می‌شود
اینجا دل شکسته سبب‌ساز می‌شود
هر روز چند مرتبه اعجاز می‌شود

چشم دلم به سمت حرم باز می‌شود
پر می‌کشد دلم به هوای طواف تو
قفل دلم شکسته کنار در حرم
فهمیده‌ام ز حکمت ایوان آینه
کو چشم روشنی که ببیند در این حرم

اعجاز توست این که دلم یا کریم توست
قلب تپنده حرم قم، حریم توست

از نفحه شهود و تجلی معطر است
دارالعلوم مریم آل پیمبر است
خاک ذر حریم تو، علامه پرور است
اینجا چه قدر چشمه جوشان کوثر است
وقتی دلم از آه زمانه مکدر است
دنبال قبر مخفی زهرای اطهر است

اینجا بهشت دختر موسی بن جعفر است
برپا شده است مکتب قرآن و اهل بیت
اینجا کلید علم و فقاہت، ارادت است
چشم امید عالم و عاشق به سوی توست
تنها پناهگاه دلم، صحن آینه ست
هر شب کنار مرقد تو یک مدینه دل

صحن تو غرق بوی گل یاس می‌شود
اینجا حضور فاطمه احساس می‌شود

اینجا دمیده کوکب اقبال فاطمه
هر زائری که آمده دنبال فاطمه
اینجاست سایه‌سار پر و بال فاطمه
صحن و سرای تو، حرم آل فاطمه
هر سال ما اگر که شود سال فاطمه

با آنکه هست هر دو جهان مال فاطمه
بی‌اختیار پای ضریح رسیده است
دارد تمام مرقد تو بوی آسمان
فرمود آشیانه امن الهی است
خورشید آل فاطمه از راه می‌رسد

ای عمه امام زمان! کاش در حرم
یک صبح جمعه لایق دیدار می‌شدم

محبوبه حبیب خدا اشفعی لنا
ای زینب امام رضا اشفعی لنا
ای آفتاب حُجُب و حیا اشفعی لنا
می‌آورم دو دست دعا اشفعی لنا
لطف و کرامت تو کجا اشفعی لنا
در صبح‌گاه روز جزا اشفعی لنا

خاتون ملک ارض و سما اشفعی لنا
آرامش و قرار دل ثامن الحجج
عصمت دخیل بسته به پره‌های چادرت
در هر سحر به سوی ضریح اجابت
روی سیاه و بار گناهان ما کجا
مهر و ولایت شده حبل المتین ما

یوم الحساب تو همه امید شیعه‌ای
تنها نه شیعه، اهل جهان را شفیعه‌ای

طعنه به پارسایی حور و ملک زده
در مرقد منور تو قلب شک‌زده
هر کس دلش ز قحطی ایمان، تَرَک زده
بر گنبد تو دست تو سل فلک زده

با حبّ تو کسی که دلش را محک زده
سرشار از زلالی نور یقین شود
از چشمه‌های فیض تو سیراب می‌شود
تنها نه چشم آدمیان بر عطای توست